

سید محمد مهدی جعفری

## توضیحاتی در بارهٔ یکی نسخهٔ خطی « نهج البلاغه »

پژوهشی علمی و دقیق از دوران تعصبات و بی‌دقتی‌ها

هر اثری که از انسانی آفریده‌شود، رنگ زمان، صبغهٔ جهان و شکل مکان دارد؛ خواه آفرینشی هنری، یا نگارشی علمی، یا اثری پژوهشی، و یا نسخه برداری از روی کتابی باشد. بدون توجه به اوضاع و احوال زمان، پدید آمدن اثری را نمی‌توان به درستی دریافت، مورد بررسی علمی قرار داد، و نتیجهٔ شایسته را از آن به دست آورد.

از سال ۱۳۴۰ ه. ق. که سید شریف رضی سخنان امیرالمؤمنین، و نامه‌ها، وصایا، حکمتها و گفته‌های آن بزرگوار را برگزید، و در مجموعه‌ای مستقل، تحت عنوان «نهج البلاغه» گردآوری کرد؛ موضوع شرحها، ترجمه‌ها، برگرفته‌ها، و کارهای بسیار دیگری قرار گرفت، و از همان سده تا حدود پنجاه شصت سال پیش، از روی آن کتاب مرتباً نسخه برداری شده است، و از دوران رواج چاپ در کشورهای اسلامی نیز، تاکنون به چاپهای متعددی از این کتاب، و شرحها و ترجمه‌هایش، اقدام کرده‌اند.

در مورد درستی و نادرستی، و غلط بودن، و منفتح و ناسنخ بودن چاپها، باید در مجال دیگری سخن گفت. در این مجال، سخنی کوتاه در بارهٔ یک نسخه برداری و شیوهٔ کار نسخه بردار، و معرفی او، به میان خواهد آمد.

نسخه برداری از روی کتابی علمی، که به سیاست و عقیده و مذهب کسی کار نداشته باشد، در هر روزگاری، و در هر شرایطی، صورت بگیرد، با اطمینان نسبتاً زیادی، می‌توان آن را فارغ از غرض و مرض دانست؛ لیکن آن کتاب، هر چه بیشتر با مسائل انسانی، و بخصوص مسائل عقیدتی، سروکار داشته باشد، باید در امانتداری نسخه بردار، و قرار نگرفتنش تحت تأثیر افکار و آئین و مذهب، بیشتر شک کرد. البته شک علمی برای رسیدن به حقیقت، و نه شک فلسفی برای گرفتار شدن بیشتر در تار و پود اندیشه‌های ویژه.

نسخه‌شناسان و پژوهشگران در کتاب، برای نسخه‌های خطی «نهج البلاغه» تا آغاز قرن

دهم اعتبار و ارزش قائلند، و برای نسخه‌هایی که از قرن دهم به بعد نوشته شده‌اند، بویژه در ایران، اعتبار قائل نیستند. زیرا از قرن دهم به بعد، صفویه بر ایران حکومت راندند، و خود راسید ناسیدند و حافظ و حامی مذهب تشیع شناسانیدند، و به شاعرانی صله می‌دادند که در مدح علی و اهل بیت شعرسرایند، و بازیهای در اثبات حقانیت علی به راه انداختند که خود عین بطلان بود و با بد دفاع کردن از مکتب تشیع بدترین زیانها و خسارتها را به بنیاد این مکتب وارد ساختند. از آن جمله کارهای علمی بود که در این دوره با غرضها و مرضها همراه شد، و بیشتر هم در راه رضای خدا انجام می‌گرفت، و در توجیه تحریفها و سهل انگاریها، به حقانیت خویش اکتفا کرده بودند. در چنین جو و شرایطی کار علمی و بدون غرض، و به دور از تعصبات مذهبی و فرقه‌ای کمتر به وجود می‌آید. لیکن هر قاعده‌ای مستثنیاتی دارد، بخصوص که شخص خود را آگاهانه از چنین شرایطی دور نگاه دارد، و به غرضها و مرضها دچار نشود.

در آخر قرن دهم، نسخه‌ای از «نهج البلاغه» بوسیله دانشمندی صاحب نظر به زیور کتابت درسی آید، که نه تنها در روزگار خود بی نظیر است، بلکه در روزگاران دیگر، و در محیطهای سالم نیز کم نظیر می‌باشد.

نویسنده، کاتب خوشخط حرفه‌ای نبوده است که برای گرفتن مزد، یا نمایش خط بدین کار دست یازد، دانشمندی آگاه به زمان خود بوده که «نهج البلاغه» را کتاب هدایت می‌دانسته است. شیوه کار را خود در پایان کتاب یادآوری کرده است که ضمن نقل آن، به شرح زندگانی مؤلف و خصوصیات کتابت و نسخه نیز اشاره‌ای می‌رود، باشد که سرمشق محققان معاصر گردد.

\* \* \*

[نهج البلاغه - من کلام مولانا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام .  
تألیف ابوالحسن محمد بن الحسین السید الشریف الرضی . تاریخ پایان تألیف :  
سیزدهم رجب . . . ۵۴۰ هـ . در بغداد] .

نسخه ایست به خط نسخ جمیل . به قلم : الحسن بن علی بن الحسن بن علی بن شدقم الحسینی المدنی وطناً و نسباً : تمت کتابتها ضعی يوم الاحد التاسع عشر من شهر محرم الحرام عام ستة وتسعين وتسعمائة ببلده جنیر صانها الله تعالى عن الغير والغير . وکان ابتدائی فی کتابته سابع عشر ربیع الاول عام ۹۹۴ . والعذر فی استداد : تناوب أمراض ، وتدارک أعراض ، حتی من الله تعالى باتمامه .  
وکان اعتمادی حال الكتابة علی ثلاث نسخ ، بل أربع نسخ :

۱ - نسخة شرح البلاغة للعلامة عبد الحمید بن ابی الحدید بخط المزیدی ، وهي نهاية فی الضبط والتصحيح ؛

۲ - نسخة مقرأة علی الشیخ سدید الدین یوسف بن مطهر ، رحمه الله تعالى ، وعلیها تبالیغ

بخطه، و آخر تبالیغه عند قوله عليه السلام: «ومن كلام له الى معاوية: وأردیت جیلا من الناس»،  
و تاریخ هذه النسخة ۵۸۸؛

۳- نسخه عليها آثار الصحة، و تاریخها سنة أربع مائة<sup>۲</sup>.

۴- نسخه، وهي اقلهن نسخه، شرح الشيخ الفاضل میثم البحرانی. و صلی الله علی خیر خلقه الی الابد و نور عرشه محمد، و آله الطاهرين و صحبه الاکرمین، و الحمد لله رب العالمین.  
۴۰۱ ورق، قطع صفحه ۲۵×۱۸، قطع نوشته ۱۰×۱۵، هر صفحه ۱۲ سطر. صفحه عنوان افتاده، از ابتدای مقدمه سید رضی را دارد. آن را به دو جلد تقسیم کرده که بعداً در این باره سخن خواهد رفت و همچنین بدعلت اختلاف شماره خطبه‌ها و کلمات در نسخه‌های مختلف اشاره‌ای می‌رود.

**نسخه متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است و از مجموعه کتب  
اهدائی مرحوم استاد سید محمد مشکاة.**

### خصوصیات نسخه:

خط و علامات و ضوابط آن، در قرن دهم به حد کمال رسیده است، لیکن بدعلت استغلال خطاطی در هر نقطه، و شایع نبودن یا نشدن چاپ، علامات و ضوابط یکدست نیست، هر کس می‌کوشیده است برای واضح تر ساختن نوشته خود، و رفع ابهام، تا حد امکان، از نشانه‌های رایج در میان کاتبان سود جوید، یا نشانه‌هایی خود ابتکار و ابداع کند. نسخه این شدقم خصوصیاتنی به شرح زیر دارد:

••• علامت فتحه و سپس ضمه بر روی دو حرف پی در پی.

••• علامتی شبیه به عدد ۷ که گاه بالای «س» می‌گذارد تا با «ش» اشتباه نشود.

••• علامت سه نقطه ( دو نقطه در بالا کنار هم و یکی در پایین ) نیز برای مشخص

کردن «س» از «ش» است، لیکن این علامت را در زیر حروف می‌گذارد.

ع، ص، ح، ط: نشانه‌هایی هستند از حروف «ع و ص و ح و ط» که در زیر حروف یاد شده گذاشته است تا از نظائر نقطه‌دار آنها: «غ، ض، خ، ج و ط» مشخص شوند.

۱- عبارت درست در نهج البلاغه، «ومن کتاب له علیه السلام الی معاوية» است نه «کلام»

که به نظر می‌رسد سهو القلم کاتب باشد. و آن نامه شماره ۳۲ بخش نامه‌های نهج است.

۲- تاریخ پایان تألیف نهج البلاغه بوسیله سید رضی سال ۴۰۰ است، لذا نسخه یاد

شده در بالا، یا همان نسخه اصل است، یا در همان سال از روی آن استنساخ شده، ظاهراً سید نیز آن را دیده است، زیرا در چند مورد این شدقم در حاشیه نسخه خود به خط سید اشاره دارد.

معاً: به معنی «هر دو باهم»، نشانه حرفیست که با دو حرکت (فتح و ضمه و یا فتحه و کسره و یا کسره و ضمه) یا با دو ضابطه (تشدید و تخفیف) یا با دو حرف، بیان گردیده است، و هر دو هم می‌تواند درست باشد.

خه: نشانه تخفیف حرف است در مقابل تشدید.

آ: علامت همزه مدوده است، و بعد از الف همزه نمی‌گذارد.

ا: الفی است کوچک که زیر حرف ماقبل یاء می‌گذارد: زیر «س» و سیلا و «ط» طینه... و...

ه: علامت پایان جمله یا خطبه و کلام. به جای نقطه کنونی.

ه،: علامت پایان خطبه یا کلام.

(تصویر دو صفحه آخر از نسخه ابن شدقم در پایان مقاله آورده خواهد شد).

### ابن شدقم الحسینی المدنی

سید ابوالمکارم بدرالدین حسن النقیب، فرزند نورالدین علی نقیب، فرزند حسن بن علی - ابن شدقم بن ضامن بن... عبیدالله الاعرج بن الحسین الاصغر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام.

در مدینه منوره در سال ۴۲۰ هـ متولد شد، و در سن ۷ سالگی در ۱ صفر سال ۴۹۹ هـ در دکن هند درگذشت، و فرزند کهنترش حسین، بنا بر وصیت خود او، جسدش را به مدینه برد و در بقیع دفن کرد.

نوه او سید ضامن بن شدقم در کتاب خود «تحفة الازهار» می‌گوید:

سید حسن بن علی... در مدینه متولد شد، و در همان جانشو و نما کرد، علوم را از پدر آموخت، و بیشتر فضائل را به دست آورد، و با دانشهای خود با همه دانشمندان و اهل فضل برابری می‌کرد، و بر همگان سرآمد شد، و با معارف و دانشهایی که داشت، از جهت عفاف و پارسائی و صلاح و سخنوری و سخندانی نیز منحصر به فرد گردید. شعر می‌سرود، و به نگارش کتاب، و درس و تحقیق نیز می‌پرداخت. از جمله نگاشته‌های او «زهرالریاض» در چهار جلد است و جز آن.

پس از پدرش نقابت یافت، سپس از آن استعفا کرده در دوم شعبان سال ۴۶۲ هـ به هندوستان رفت، و بر سلطان آن دیار حسین نظامشاه پسر نظامشاه وارد شد، شاه به بهترین روی از او پذیرائی کرد. مدتی بعد به شیراز سفر کرده در آن‌جا به کسب دانش پرداخت؛ چندی بعد عازم زیارت امام هشتم گردید، و در ذی‌قعدة سال ۴۶۴ هـ با شاه طهماسب صفوی اول ملاقات کرد و مورد اکرام او قرار گرفت. در مشهد به نزد تنی چند از مشایخ قراءت کرد و دانشهایی از آنان

۱- برای جلوگیری از اطناب نوزده واسطه نویسنده حذف شد.

فراگرفت، آنگاه سلطان حسین نظامشاه او را به هندوستان فراخواند. وی هم پذیرفته بدان سرزمین رفت. و سلطان خواهر خود فتحشاه مندوره را به ازدواج او در آورد.<sup>۱</sup>

پس از کشته شدن سلطان نظامشاه، فرزندش مرتضی نظامشاه به جای پدر نشست، و به علت خردسالی اختیار امور مملکت برای مدتی کوتاه به این شد. تم سپرده شد، لیکن به قصد حج اجازه مرخصی خواسته، با همسر هندی و مادرش بی بی آمنه در سال ۹۷۶، به مدینه بازگشت، و در سال ۹۷۹ فرزندش حسین در آنجا متولد شد. سپس برای دیدار مرتضی نظامشاه در ۷ شوال ۹۸۸ به دکن بازگشت<sup>۲</sup>، و در سال ۹۹۹ در همانجا درگذشت.

آنگاه صاحب اعیان الشیعه نصوص اجازه های مشایخ روایتی او را به تفصیل ذکر می کند که این مقاله را گنجایش نقل آنها نیست و تنها به ذکر نامشان اکتفا می کنیم که برخی از آنان عبارتند از: صاحب المدارک نوه شهید ثانی: محمد بن علی بن ابی الحسن، شیخ حسین بن عبدالصمد پدر شیخ بهائی، و شیخ نعمت الله بن خاتون العالی... و همه آن متون را از کتاب خود او «زهرالریاض» نقل کرده است.<sup>۳</sup>

### استادان او

علاوه بر مشایخ نامبرده که در حدیث به او اجازه روایت کردن داده اند: پدرش سید علی، جمال الدین محمد تولائی بصری و سید حسن بن علی الحسینی الموسوی، شیخ محمد بگری صدیقی در مکه مشرفه، ملا عنایة الله، و شاه نعمت الله در یزد و شیراز. و در «ریاض العلماء» این سید از جماعتی از افاضل روایت می کند که از جمله آنان صاحب مدارک است، و در ابتدای کتاب خود به نام «الجواهر النظامیة» عده ای از مشایخ خود را نام می برد و طرق روایتش را از شیخ حسین بن عبدالصمد الحارثی الجبعی به شیخ کلینی متصل می کند.

### مؤلفات او

- ۱- الجواهر النظامیة من حدیث خیر البریة یا الجواهر النظامیة که آن را برای نظامشاه سلطان حیدرآباد نوشته است.
- ۲- زهرالریاض و زلال الحیاض، در چهار جلد، در تاریخ مشتمل بر شرح احوال ائمه علیهم السلام، و در تاریخ مدینه.
- ۳- رساله در اخبار فضائل، به نقل صاحب الریاض.

۱- اعیان الشیعة، ج ۲۲، ص ۷۳-۲۶۹.

۲- الذریعة: ج ۳ رقم ۱۵۰۷.

۳- اعیان الشیعة، ج ۲۲، ص ۸۰-۲۷۵.

۴- الاسئلة الشدقمية که شیخ او شیخ حسین بن عبدالصمد پرسیده و او پاسخ داده است.

### شعر او

در «سلافة» شعر بدیعی از او نقل می‌کند، از جمله:

ولیس غریباً من نأی عن دیاره      وانی غریب بین سکان طیبة  
 وانی غریب بین سکان طیبة      وانی غریب بین سکان طیبة  
 و لیس ذهاب الروح یوماً منیة      و لیس ذهاب الروح فی عدم الشکل<sup>۱</sup>

### علامت اختلاف شماره خطبه‌ها و کلمات نهج البلاغه

سید شریف رضی برای خطبه‌ها و کلمات امیرالمؤمنین شماره نگذاشته است، زیرا کتابی خاص در موضوعی معین تدوین نمی‌کرده است که به فصلبندی و عنوان‌گذاری دقیق دست زند، بلکه مجموعه‌ای از زیباترین و شیواترین سخنان را گردآوری کرده آن را در سه بخش به نظم درآورده است:

«دیدم سخنان امام علیه السلام برگرد سه قطب می‌چرخد:  
 نخست خطبه‌ها و فرمانها؛  
 دومین محور نامه‌ها و پیامها؛  
 و سدیگر حکمت‌ها و پندها.»

پس تصمیم گرفتیم که به توفیق خدای متعال به‌گزینش زیباترین خطبه‌ها آغاز نهم، آنگاه نیکوترین نامه‌ها را قرار دهم، و سرانجام حکمت‌ها و گفتارهای با فرهنگ او را بگذارم، برای هر کدام از آن‌گونه‌ها بخشی مستقل اختصاص دهم، و برگهائی سفید و مفصل باز نهم، باشد که اگر بر اثر عجله مطلبی از دستم بیرون رفته، آن بخش مقدمه‌ای گردد برای تدارک و بازیافت مطلب دیر به دست آمده...»<sup>۲</sup>

اما چنانکه سید خود در دنباله سخن بالا توضیح می‌دهد، به تقسیم‌بندی خویش نتوانسته است وفادار بماند، زیرا به سخنانی و آثاری از امیرالمؤمنین برخورد کرده است که در درون هیچیک از بخشها و قاعده تعیین کرده نمی‌گنجیده، لذا آنها را در مناسبترین بخش جای داده است. به همین علت می‌بینیم که در بخش نخست، در کنار خطبه‌ها و کلام‌های امام، دعا، نفرین و قول نیز آمده است، و در بخش دوم در ضمن نامه‌ها؛ وصیتنامه، فرمان، بخشنامه، دعا، قول، کلام، عهد،

۱- این شرح حال از اعیان‌الشیعه، ج ۲۲، ص ۸۸-۲۶۹ گرفته و خلاصه شد.

۲- از مقدمه سید رضی بر نهج البلاغه.

موعظه (نامه ۶۸ به سلمان فارسی)، و یک پیمان نامه نیز قرار گرفته است، و در میان کلمات قصار حکمت آمیز که بخش سوم نهج البلاغه را در بر گرفته، خطبه و کلام هم آمده است. سید رضی می گوید: برای این منظور عذرهای دارم، از جمله: اختلاف در روایات، بعد عهد و فراموشی است.

به هر حال، عامل فوق الذکر، با سلیقه ها و عقیده های کاتبان، شارحان، مترجمان و نسخه نویسان به هم آسیخته، پریشانی و بی نظمی مختصری در نهج البلاغه ایجاد کرده است که در این نوشتار کوتاه به ذکر چند مورد آن بسنده کرده، پژوهش دقیق به وقت دیگری احاله می شود، به خواست خدا.

### واکنون موارد وعده شده:

۱- کلام ۱۳ امیرالمؤمنین در نکوهش بصره و سردم آن شهر است، و سید دو روایت دیگر در ذیل آن، تحت عنوان: «و فی روایة أخرى» آورده است. در همه نسخه های چاپی موجود بعد از این روایت، روایت دیگری نیز آمده است: «و فی روایة أخرى: بلادکم اثنین بلادالله تربة...» لیکن این روایت در هیچیک از دوازده نسخه خطی در دسترس این جانب وجود ندارد. این روایت از کجابه نسخه های چاپی وارد شده است؟ برنگارنده مجهول می باشد.

بعد از این دو یاسه روایت، سید رضی می نویسد: «و من کلام له علیه السلام فی مثل ذلک» یعنی این سخن هم مانند سخنان قبل در نکوهش بصره است، و غالباً این کلام را تحت شماره ۱ آورده اند، لیکن در برخی از نسخه های خطی (از جمله نسخه مدرسه نواب مشهد که بوسیله محمد بن محمد بن احمد النقیب در سال ۱۰۴۴ استنساخ شده است) آن را کلام مستقلی ندانسته، به عنوان «قول امیرالمؤمنین علیه السلام فی هذه الروایة» به دنبال کلام ۱۳ و جزئی از آن آورده اند.

۲- خطبه ۵۲ نهج البلاغه: «ألا وان الدنيا قد تصرمت و آذنت بانقضاء» را برخی از شارحان و یانسخه نویسان و مترجمان یک خطبه مستقل، و کلام یا خطبه ۵۳ «و من تمام الاضحیة» را هم جدای از آن به شمار آورده اند، در حالی که همه نسخه های خطی به اتفاق، و ابن ابی الحدید در شرح خود و فیض الاسلام، با عنوان «و منها» خطبه ۵۳ را جزئی از خطبه ۵۲ گرفته اند، و از این جا به بعد شماره خطبه هادر نسخه های نهج البلاغه اختلاف پیدا می کند. اما شیوه درست متعلق به کسانی است که آن را با عنوان «و منها» جزئی از خطبه های ۵۲ دانسته اند، زیرا شیخ صدوق در «من لایحضره الفقیه» متن کامل این خطبه را به عنوان خطبه عید اضحای امیرالمؤمنین نقل می کند، و ذکر روز قربانی و خصوصیات گوسفند قربانی را هم در پایان خطبه آورده است.



۳- سیدرضی بعد از کلام ۵۶، چهار مطلب از اسیرالمؤمنین در باره خوارج ذکر می-

کند:

کلام ۵۷ در پاسخ خوارج که از اسیرالمؤمنین می‌خواهند از گناه پذیرش حکمیت توبه

کند؛

۵۸- وقال علیه السلام، همینکه خراست به جنگ خوارج برود؛

۵۹- وقال علیه السلام، وقتی که خوارج کشته شدند؛

۶۰- وقال علیه السلام، که پس از من خوارج را نکشید.

غالباً این یک کلام و سه قول را جداگانه و با چهار شماره ثبت کرده‌اند، لیکن شیخ محمد عبده (به تصحیح محمد محیی‌الدین عبدالحمید چاپ مصر) کلام اول را به شماره ۵۸ ثبت کرده (زیرا قسمت ۵۳ را مستقل گرفته است) و سه قول دیگر را جزئی از آن و زیر همین شماره آورده است. و در اینجا نیز اختلاف شماره در این نسخه و چاپ از شرح عبده با دیگر چاپها پیش می‌آید.

۴- بخشی از خطبه ۱۲۳: «فقدموا الدارع وأخروا الحاسر» را برخی از نسخه‌های خطی جزئی از کلام ۱۲۲: «و آی امری منکم» به شمار آورده‌اند و با عنوان «ومنه» ثبت کرده‌اند، برخی دیگر، از جمله ابن ابی الحدید، دو قسمت ساخته تحت عنوان: «ومن کلام له علیه السلام» به کلام ۱۲۳ و کلام ۱۲۴ (شرح: ۳۰۴/۷ و ۳/۸) تقسیم کرده‌اند، و اختلافی دیگر به وجود آمده است.

۵- در ذیل کلام ۱۵۵: «من استطاع عند ذلك» سیدرضی می‌گوید: شخصی از جا برخاسته از اسام درخواست کرد که آنان را از فتنه باخبر کند. اسیرالمؤمنین هم به وی پاسخ داده است. سیدرضی این درخواست و پاسخ را، بدون گسستگی، به دنبال کلام ۱۵۵ نقل کرده است، و همه دیگران نیز به همین شکل، مطلب را ثبت کرده‌اند، تنها ابن ابی الحدید در شرح، بدون تعیین عنوانی، این مطلب را به شماره ۱۵۷ شرح داده است. (البته با توجه به اقدام پیش، شماره این کلام در شرح ۱۵۶ شده بود).

۶- تا کلام ۱۸۳ نسخه برگزیده (ابن شدقم): «أسکت قبحك الله یا أثم»، اختلافات در شماره‌ها با نسخه‌های دیگر جزئی است؛ همین کلام در شرح ابن ابی الحدید دارای شماره ۱۸۵، در شرح عبده ۱۸۲، در نسخه دکتر صبحی صالح ۱۸۴، و در ترجمه فیض الاسلام نیز ۱۸۳ است،



لیکن از این جا به بعد یک اختلاف عمده پیش می آید، به شرح جدول زیر:

جمله اول خطبه یا کلام	ابن شدقم	ابن ابی الحدید	شرح عبده	صبحی صالح	فیض الاسلام
الحمد لله الذی لاتدرکه	۱۸۴	۲۳۱	۱۸۳	۱۸۵	۲۲۷
الشواهد	.....	.....	.....	.....	.....
الحمد لله الذی لبس	۱۹۰ تا ۱۸۵	۲۳۲ تا ۲۳۷	۱۸۴ تا ۱۸۹	۱۸۶ تا ۱۹۱	۲۲۸ تا ۲۳۳
العزوالکبریاء (القاصعة)	۱۹۱	۲۳۸	۱۹۰	۱۹۲	۲۳۴
اما بعد، فان الله سبحانه	۱۹۲	۱۸۶	۱۹۱	۱۹۳	۱۸۴
(همام - متقین)					

همین اختلاف زیاد باعث سردرگمی تازه واردان برای تحقیق در نهج البلاغه می شود، و حال آنکه تنها یک جا به جایی صورت گرفته است، و نه چیزی دیگر همچون حذف یا اضافه.

۷- با توجه به شماره گذاری فوق، خطبه ۲۱۵: «أما بعد، فقد جعل الله لی علیکم حقاً» که در شرح ابن ابی الحدید به شماره ۲۰۹، و در ترجمه فیض الاسلام به شماره ۲۰۷، و در شرح عبده ۲۱۴، و در صبحی صالح ۲۱۶ آورده شده، دارای دو قسمت است، که قسمت دوم آن را اسیرالمؤمنین در پاسخ گفتار ستایش آمیزیکی از یاران گفته است. ابن ابی الحدید، این قسمت را کلام مستقلی دانسته به شماره ۲۱۰ نقل کرده است.

۸- کلام ۲۲۰: «والله مستأدیکم شکره» را شیخ محمد عبده به شماره ۲۳۹ به عنوان آخرین کلام، و صبحی صالح به شماره ۲۴۱ نیز به عنوان آخرین کلام آورده اند.

بدین ترتیب نسخه ابن شدقم دارای ۲۴۰ خطبه و کلام و قول است، شرح ابن ابی الحدید دارای ۲۴۳، شرح عبده ۲۳۹، دکتر صبحی صالح ۲۴۱ و فیض الاسلام ۲۳۹.

نکته دیگر، اختلاف در دادن عنوان خطبه یا کلام به سخنان امام است که خود داستان دیگری دارد. در شماره نامه ها و پیامها و وصایا که در بخش دوم هستند، و در عناوین هفتاد و نه قطعه گزیده آن بخش اختلافی نیست، ولی در شماره و مقدار کلمات قصار نیز اختلافاتی وجود دارد، که همه این نکات قابل توجه را به گفتار یا نوشتار دیگری موکول می کنم.

ان شاء الله تعالی.









شپو، سگاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی